**شیوه تحلیل سیاسی / نامه تسلیم (2)**

حالا ۱۶ سال بعد از آن روزها، عده‌ای دیگر از فعالین سیاسی از موضع ترس و انفعال، باز هم دست به نگارش نامه‌ای خطاب به مسئولان نظام زده و درحالی‌که آمریکا در رفتاری خلاف همه‌ی قواعد و قوانین بین‌المللی، به‌صورت یک‌جانبه از برجام خارج شده است، خواهان «مذاکره مستقیم و بدون هیچ پیش شرطی» با آمریکا شده‌اند. ونوشته اند: «ما از دولت و حکومت ایران می خواهیم حال که فرصت مناسب دوران اوباما از دست رفته است، فارغ از جنگ های روانی کاخ سفید که در پشت آن هیاهو تاجرپیشگی خاص خویش را نیز دنبال می کند؛ با یک تصمیم ملی شجاعانه اعلام کند که حاضر به انجام مذاکرات بدون قید و شرط با آمریکاست تا قدمی در راه حل مشکلات و اختلافات برداشته شود.»





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره73/ چهارشنبه 6 تیر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**واقعیت دیدار سنگاپور**



دیدار سران دو کشور کره‌شمالی و آمریکا بازتاب گسترده‌ای در رسانه ها داشت. حال می‌توان دلیل راضی‌شدن طرفین به مذاکره را پیدا کرد، مهمترین منطق مذاکره این دو کشور قدرت است. ترامپ جمهوری‌خواه را به‌جایی رسانده که بعد از تهدید‌های بی‌حاصلش علیه کره‌شمالی، خود در کسوت رئیس‌جمهور فعلی راضی به مذاکره مستقیم شده است. کره‌شمالی اعتمادبه‌نفسی را در بین مسئولان اش به وجود آورده تا با سر بالا و چنته پر به مصاف آمریکا بروند، مواردی که شامل:1- مواد هسته‌ای به اندازه کافی برای تولید بین 50 تا 100 سلاح هسته‌ای در حالی که چین، بریتانیا و فرانسه هرکدام با تعداد تقریبی 300 کلاهک هسته‌ای و هیدروژنی از نقش ابرقدرتی در جهانی برخوردار هستند.2-رسیدن به فناوری ساخت کلاهک هسته‌ای با قابلیت نصب روی موشک با قدرت تقریبی 100 کیلوتن. در نظر داشته باشید بمب اتمی «پسر کوچک» (Little Boy) که در جریان جنگ جهانی دوم توسط آمریکا روی هیروشیما پرتاب شد، فقط 15 کیلوتن قدرت داشت و بمب اتمی «مرد چاق»

**بحران‌نمایی زنجیره‌ای‌ها از ایرانِ بدون برجام**

****

روزنامه آفتاب یزد در مطلبی نوشت:«در شرایطی که مخالفان توافق هسته‌ای پیش از این بارها خواستار خروج ایران از این توافق‌نامه بودند، اما امروز علیرغم آنکه خواسته آنان تقریبا محقق شده، سکوت اختیار کرده و توضیح نمی‌دهند ایران بدون برجام چگونه باید به اهداف خود برسد».مدعیان اصلاحات هیچ اعتقادی به ظرفیت‌های عظیم داخلی و استعدادهای جوانان کشورمان ندارند و علیرغم تجربه‌های عبرت آموز، همچنان مدعی هستند که باید بدون هیچ چشم داشتی به صورت یکطرفه به طرف مقابل امتیاز بدهیم تا مشکلات کشور رفع شود.روحانی باید این نکته را در نظر می‌گرفت که در شرایطی می‌تواند اهداف خود را در عرصه بین‌المللی محقق کند که وضعیت داخلی کشور را ساماندهی می‌کرد...

**ايران توان مقاومت در برابر تحريم‌ها را دارد**

****

صندوق بين‌المللي پول (IMO) در گزارشي با اشاره به ذخيره ارزي 112ميليارددلاري ايران اعلام کرده که تهران مي‌تواند در برابر تحريم‌ها مقاومت کند. به گزارش رويترز، صندوق بين‌المللي پول در ماه مارس سال جاري گزارشي داده که ايران داراي 112 ميليارد دلار ذخاير ارزي و اموال خارجي است. اين ارقام اثبات مي‌کند که ايران قادر به مقاومت در برابر تحريم‌ها بدون ايجاد بحران پرداخت‌هاي خارجي خواهد بود. براساس اين گزارش، اين در حالي است که فشار آمريکا باعث محدوديت دسترسي ايران به سيستم بانکي بين‌المللي مي‌شود، بنابراين اين موضوع مي‌تواند باعث عدم توانايي ايران به برخي از اين منابع شود.

**رد پای برجامانده از تروریست‌ها**

****

یک خبرگزاری مدعی اصلاح‌طلبی دیروز همنوا با خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت «ریشه ناآرامی‌های بازار تهران در مطالبات مخالفان دولت روحانی است. برخی اصولگرایان تندرو خواستار جایگزینی دولت روحانی با دولتی نظامی شده‌اند. بازار تهران به طور سنتی مرکز اصولگرایان است». تیم‌های اجاره‌ای و مزدوری که در بازار التهاب ایجاد کردند و با ارعاب، برخی بازاریان را مجبور به بستن مغازه کردند، شعار می‌دادند «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن». این شعار، ادامه شعار آشوبگران نیابتی سال 88 است که عقده ناگشوده آمریکا و اسرائیل را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد موج بی‌ثبات سازی از کدام ایستگاه مخابره می‌شود. آیا اگر -آن گونه که خبرگزاری آمریکایی نوشته و خبرگزاری ایلنا رونویسی کرده- برپا کنندگان ناآرامی در بازار طرفداران دولت نظامی بودند، گلایه‌های اقتصادی را دستاویز فشار برای عقب‌نشینی از جبهه مقاومت در سوریه می‌کردند؟ جز صهیونیسم مسیحی (آمریکا و اسرائیل و انگلیس) کس دیگری هم از مشت قدرتمند ایران در سوریه خسارت‌دیده که خواستار عقب‌نشینی شود؟

«سوریه را رها کن»، به‌روز‌رسانی شده شعار «نه غزه نه لبنان» است که سال 88 اولین بار از سوی سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی به «پیاده»‌های خود دیکته شد و یک روز بعد در حاشیه راهپیمایی روز قدس، بر زبان فتنه‌گران جاری شد. خاستگاه این شعارها، اتاق عملیات مشترک «صهیونیسم مسیحی» (آمریکا و انگلیس و اسرائیل) است که بارها در مقابل جمهوری اسلامی ایران به در بسته خورده است. آنها آخرین بار خُرد شدن داعش را زیر پای رزمندگان مقاومت دیدند. شعار سوریه را رها کن، البته زدن به خاکی است. صهیونیست‌ها و مزدوران نیابتی شان 9 ماه دیر رسیده‌اند. آنها شکست بزرگ را مهر سال گذشته به جان خریدند و محور مقاومت پایان کار داعش را اعلام کرد. اکنون ماجرای سوریه یکی از برگ‌های برنده اقتدار ایران است و نه محل هزینه، چنانکه ادعا می‌شود.

**2تجمع در یک شبانه‌روز**

****

چهارم تیرماه ١٣٩٧ از روزهای مهم و به‌یادماندنی در سال چهلم انقلاب خواهد بود. دو اتفاق مهم در کنار هم رخ داد؛ در بازار تهران جوانانی معترض به اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه دست به تظاهرات با شعارهای تند زدند و در بخش‌های دیگر کشور از جمله تبریز نیز معترضان تجمعاتی داشتند. ساعت 22:30 شب نیز سومین بازی فوتبال تیم ملی ایران در روسیه برگزار شد. ایرانیان در روسیه و ایران و دیگر نقاط گیتی یک‌صدا و با تمام وجود و با قلب‌های تپنده، تیمشان را تشویق می‌کردند، به‌جز تعدادی بی‌علاقه و عده‌ کمی کژاندیش و عصبی، دیگران به تماشای بازی نشستند. هم‌زمانی این دو واقعه در این روز گویای حقایقی ارزنده است؛ در یک سو کاری ملی و به قول ظریف با هدف حفظ ایران انجام شد و همه طیف‌ها یک‌دل به دنبال حفظ و پیروزی آن بودند. زن و مرد، راست و چپ، داخلی و خارج‌نشین، باحجاب و بی‌حجاب، جوان و پیر، مسلمان و زرتشتی و... یک هدف و آرمان را دنبال می‌کردند. در امری غیردولتی اتفاق جالبی رخ داده است؛ نمونه‌ای از مدیریت خصوصی موفق جوانانی از سراسر ایران را گرد آوردند و با کمترین امکانات و با غیرت و همت تاریخ‌ساز شدند و اتفاقا با مدیریت مدیری لایق اما خارجی که البته فیش حقوقی‌اش هم باعث ناراحتی ملت نشد. اما اتفاق دیگری در کوچه و برزن تهران و دیگر شهرها رخ می‌دهد؛ نه فقط برجام زیر سرم است که به تعبیر دوست و دشمن، اقتصاد ملتهب ما در سی‌سی‌یو است. اما در همین اوضاع جوانان ما در روسیه تاریخ‌ساز شدند. بیاییم به ملت رجوع کنیم و اعتماد آسیب‌دیده را ترسیم کنیم. مطمئن هستم بیشتر تظاهرات‌کنندگان خیابانی روز دوشنبه، شب پای تلویزیونی که احتمالا مدیریتش را قبول ندارند، به تماشای فوتبال جوانان یوزپلنگی نشستند و بعد از بازی باز هم به خیابان‌ها ریختند اما این‌بار در حمایت از کشورشان. پس جای طرح این پرسش است که «چرا این‌گونه شده‌ایم؟»؛ پاسخ روشن است: «مدیریت، مدیریت، مدیریت».

**اعتراض منهای اغتشاش**

****

نرسیده به سبزه‌میدان یک جمع نسبتا بزرگی ایستاده بودند، در مرکز جمع، یک سرهنگ پلیس بود و یکی از کسبه که ظاهرا رئیس یکی از اصناف بود. رئیس صنف می‌گفت: «ما اعتراض داریم؛ خب! چه کنیم؟ چه‌جوری اعتراض‌مان را اعلام کنیم؟ بابا همه‌مون بدبخت شدیم!» رئیس‌پلیس می‌گفت: «من قبول دارم وضعیت اقتصادی خراب است، می‌دانم بازاری‌ها زیر فشارند، ما نیامده‌ایم جلوی اعتراض شما را بگیریم! فقط آمده‌ایم این اعتراض شما تبدیل به یک هرج و مرج و اغتشاش نشود. می‌بینید که تا الان جلوی هیچ کسی را هم نگرفته‌ایم!» رئیس صنف می‌گفت: «خب! بالاخره چه کسی باید درد ما را دوا کند!» سرهنگ هم می‌گفت: «من نوکر شمام! اما وظیفه من حفظ آرامش جامعه است، سر من داد بزنی مشکلی حل نمی‌شه! اونی که وظیفه حل کردن مشکلات اقتصادی را داره یکی دیگه است! من به وظیفه‌ام عمل می‌کنم ان‌شاءالله اونم به وظیفه‌اش عمل کنه!»جلوتر رفتم. یک گوشه‌ای از سبزه‌میدان اتفاق جالبی توجهم را جلب کرد. با اینکه مغازه‌ها بسته بود و نیروهای انتظامی هم در خیابان 15 خرداد بودند اما ضلع شرقی سبزه میدان هنوز «دلالان سکه و دلار داشتند خرید و فروش می‌کردند و داد می‌زدند50 تا فلان قیمت خریدم».بازار نیمه‌تعطیل شد تا شرایط به حال طبیعی برگردد و من از بازار خارج شدم. تقاطع «خیام» و «15 خرداد» سوار یک موتور شدم که به روزنامه بیایم. موتورسوار وقتی فهمید روزنامه‌نگارم شروع کرد به درددل کردن! می‌گفت: «ببین من سال‌هاست دارم با موتور کار می‌کنم، نمی‌توانم رانندگی ماشین بکنم! وقتی نمی‌توانم پشت فرمان ماشین بنشینم، نمی‌نشینم! این آقایون هم وقتی نمی‌توانند کار بکنند، در مسؤولیت قرار گرفتن‌شان خیانت است به مردم! اینها سوار یک ماشین هم نیستند! یک قطار با 80 میلیون جمعیت را دارند می‌فرستند توی دره!»

